

نخستین مدارس مدرن ایرانی

۴ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۵۵

دوره قاجاریه ، دوره ای است که در آن شهرنشینی در تهران ، بر پایه ی معیشت تمدن کشاورزی و نهاد های اداری - اجتماعی همسو با آن تمدن کشاورزی بنیان گذاری شده بود، ولی تهران از درون این تمدن کشاورزی جامعه ایرانی ، « خیزش شهری » کرد.

دوره قاجاریه ، دوره ای است که در آن شهرنشینی در تهران ، بر پایه ی معیشت تمدن کشاورزی و نهاد های اداری - اجتماعی همسو با آن تمدن کشاورزی بنیان گذاری شده بود، ولی تهران از درون این تمدن کشاورزی جامعه ایرانی ، « خیزش شهری » کرد و با ایجاد تحول در کارکرد اجتماعی مدارس خود و با تحول کارکرد و فونکسیون نهاد آموزشی خود ، کم کم به تغییر نظام معیشت شهرنشینی خود پرداخت و آن را از مرحله ی اقتصادی مبتنی بر تمدن کشاورزی به اقتصاد مبتنی بر تمدن نیمه صنعتی - تجاری کشاند ، زیرا در ازمنه ی سابق شهرنشینی در تهران ، نظیر شهرهای دیگر ایرانی ، اصنافش از مشاغل تشکیل می شد که اقتصاد فئودالی - روستایی ، اساس تغذیه اقتصادی این نوع شهرها و مشاغل آنها تشکیل میداد ..

نخستین مدارس مدرن ایرانی ، تنها از درون شهر تهران بیرون آمدند و آن هم در دوره ی مظفرالدین شاه شکل گرفت ، که امروزه مدارس جدید ایرانی ما، الگوهای فرهنگی اخذ شده از این نوع « مدل فرهنگی » هستند

لذا متکی بر مازاد اقتصادی تولیدات جامعه ی فئودالی - کشاورزی ایرانیان بود که تهران پایتخت آنها را تشکیل می داد ، و به همین دلیل در طول تاریخ شهرهای ایرانی ، جمعیت این نوع شهرها هم، از ده الی پانزده درصد بیشتر رشد جمعیتی نمی کردند و در نتیجه ۸۵٪ دیگر اعضای جامعه ی ایرانی ، در شکل جمعیت روستایی و در قالب شصت هزار روستاهای ایران ، به مشاغل تولید کشاورزی - دامی مشغول و یابه معیشت خود کفایانه ی خود مشغول بودند و تنها پانزده درصد جمعیت شهری و از جمله تهران هم از اقتصاد روستایی آنان ، تغذیه ی معیشتی می نمود و از این رو در این نوع شهرهای ایرانی ، افراد حرفه ای شهری و صنعتگران شهری مزبور، صرفاً به ساخت و ساز ابزارها و وسایل کاری می پرداختند که تنها به درد چرخاندن اقتصاد این نوع روستاها می خورد و یا به خرید و فروش مایحتاج آن روستاها می پرداختند و یا به رتق و فتق اداری - حقوقی این روستاها در درون نهادهای اداری شهری خود می پرداختند و از جمله ابزارهایی که در بازار و میادین اقتصادی و کارگاه های شهرها می ساختند شامل ساخت داس و بیل و گاواهن ، توسط آهنگران این نوع میادین و یا حجره های شهری بود و یا به ساخت و ساز ظروف مسی برای فروش به سکنه ی آن روستاها بود و یا به ساخت غربال و الک و ساخت تنور برای غربال کردن گندم کشتزارهای روستایی بود و یا ناوایی

های خانگی آنان در روستاها بود و یا به ساخت لوازم فرش بافی آنها در این کارگاه های شهری خود می پرداختند و یا در شهرهای مزبور به مشاغل خرید و فروش مازاد تولید آنها می پرداختند نظیر خریدگندم و حبوبات و میوه و لبنیات و پشم و پوست روستاها . و نیز مدارس قدیمی ایران هم در شهرها صرفاً در چارچوب آموزش های حقوقی - مذهبی - اداری رتق و فتق معیشت این نوع روستاها عمل می کرد و در این چارچوب اجتماعی، تداوم فرهنگی و تداوم آموزشی داشتند .

اما مدارس جدید تهران ، در دوره قاجاریه از این شالوده ی اجتماعی ، که متکی بر اقتصاد جامعه ی روستایی بود ، « گذر اجتماعی کرد و توانست بر « مازاد تولید دانش » سکنه ی تهران در این دوره ی تاریخی منجر شود و بعلاوه در تحولات فرهنگی - اجتماعی خود ، کم کم به تحول قشربندی های خاص تأسیس کنندگان این نوع مدارس پرداخت و یا به تحول اجتماعی قشربندی های تدریس شوندگان در این نوع مدارس منجر شد و لذا تغییر در کارکرد نهاد آموزشی را در درون شهر تهران ، نهادینه اجتماعی کرد و به همین دلیل نخستین مدارس مدرن ایرانی ، تنها از درون شهر تهران بیرون آمدند و آن هم در دوره ی مظفرالدین شاه شکل گرفت ، که امروزه مدارس جدید ایرانی ما، الگوهای فرهنگی اخذ شده از این نوع « مدل فرهنگی » هستند.

هر چند بعد از تأسیس دارالفنون که در اوایل دوره ی ناصرالدین شاه اتفاق افتاد (که به خاطر کارکرد تربیت حکام اداری با سواد برای اداره جامعه ی ایرانی) تأسیس شده بود ، مدارس دولتی دیگری هم از سوی دولت قاجاریه تأسیس شد اما همگی این مدارس هم بیشتر برای تربیت کادر دولتی بودند و به طبقه ی عوام جامعه ی تهران کاری نداشتند . ولی در اواخر دوره ی ناصرالدین شاه برخی مدارس هم شکل گرفتند که پایه گذار مدارس جدیدی از نوع مدارس مدرن دوره ی مظفرالدین شاهی بودند نظیر ساخت مدرسه ی مادرشاه در خیابان باب همایون و یا مدرسه ی دوستعلی خان معیرالممالک و مدرسه ی رضا قلی خان هدایت در خیابان خانقاه و یا مدرسه ی فرخ خان امین الدوله در محله ی چاله میدان تهران و یا مدرسه ی شاهزاده خانم . و یا مدرسه ی علمیه ی احتشام السلطنه ، ولی اغلب مدارس جدید تهران، تنها پنجاه بعد از دارالفنون شکل گرفت که بیشتر در دوره ی مظفرالدین شاه گسترش یافت و باعث شد که در اواخر دوره ی قاجاریه در حدود شصت - هفتاد مدرسه ی جدید و یا مدرسه ی سنتی در شهر تهران بوجود آید که حدود بیست الی بیست و پنج هزار خانوار (۲۰۰۰ نفر) جمعیت داشت و همه ی این مدارس هم (از جمله مدارس سنتی و یا مدرن آن) همگی متعلق به دوره ی قاجار بودند.

تاسیس مدارس دخترانه در دوره پهلوی اول

زنان فارس در عصر قاجاریه به منظور تاسیس مدارس دخترانه و باسواد کردن آنان تلاش مستمری انجام دادند. در نگاهی عمیق تر به عملکرد زنان شیراز در خصوص تاسیس مدارس دخترانه، درمی یابیم اساس فعالیت آنان بر مبنای این اعتقاد و تفکر انجام می گرفت

در دوره رضاشاه تاسیس مدارس توسط زنان با توجه به زمینه هایی که در دوره قاجار ایجاد شده بود، تداوم یافت. بسیاری از مدارسی که در سالهای نخستین قدرت گیری رضاشاه در فارس و به ویژه در شیراز فعالیت می کردند، سعی می نمودند آموزش دختران را بر مبنای شیوه های آموزشی جدید پیش ببرند. مدارس این دوره در واقع همان مدارس تاسیس شده در عصر قاجار بودند

که اینک صرفاً بر تعداد دانش‌آموزان و مقاطع تحصیلی‌شان می‌افزودند.

از جمله مجلات فعال در امر زنان، مجله عالم نسوان بود که ناشران و نویسندگان آن زن بودند. در برخی شماره‌های این مجله پس از مقایسه وضعیت زنان در کشورهای نظیر فرانسه، انگلیس، سوئد، ژاپن، چین و هند، تاکید شده است که لیاقت و شایستگی زنان در امور مختلف و به‌ویژه در مسائل اجتماعی به خودشان بستگی دارد؛ چنانکه به‌عنوان مثال زنان متکدی هند خودشان را مسئول بدبختی خودشان می‌دانند؛ در چین در کنار زنانی که ریاست بانک و یا مقامات بالای اداری را برعهده دارند، زنان بسیار ترسویی نیز هستند که حتی از این که به‌تنهایی در خیابانها رفت‌وآمد کنند، می‌ترسند؛ در ژاپن زنان علیرغم مخالفت مردان، مشاغلی نظیر روزنامه‌نگاری، نویسندگی، پلیس و... را برعهده دارند؛ در سوئد برخی زنان با جامعه ملل در ارتباط هستند؛ و در فرانسه و انگلیس هنوز برخی زنان حقوق اجتماعی خود را کاملاً به‌دست نیاورده‌اند، نظیر این مقالات که مقایسه‌ای بین زنان ایران با زنان سایر نقاط جهان بود، تازگی نداشت بلکه در مجلات عصر قاجار مانند «زبان زنان» و «جهان زنان» نیز مقالاتی درج می‌شد که همگی به‌منظور آگاهی‌بخشیدن به زنان ایران از طریق مقایسه و شناخت بیشتر وضعیت و شرایطشان به انتشار مطالب می‌پرداختند.

تلاش برای باسواد کردن دختران در عصر قاجار

زنان فارس در عصر قاجاریه به منظور تاسیس مدارس دخترانه و باسواد کردن آنان تلاش مستمری انجام دادند. در نگاهی عمیق‌تر به عملکرد زنان شیراز در خصوص تاسیس مدارس دخترانه، درمی‌یابیم اساس فعالیت آنان بر مبنای این اعتقاد و تفکر انجام می‌گرفت که برای تربیت فرزندان و نسل آینده، به مادر آگاه و باسواد نیاز است. آنان علیرغم مدت کوتاه دوران پس از جنگ جهانی اول تا پایان سلطنت قاجاریه، بیشترین فعالیت را در تاسیس مدارس ملی در مقطع ابتدایی از خود نشان دادند. با قدرت‌گیری رضاشاه، فعالیت‌های زنان شیراز و فارس ادامه یافت. ابتدا بر تعداد دانش‌آموزان دختر و سپس بر تعداد مدارس افزوده شد. اما نکته قابل توجه این است که مدارس عصر پهلوی اول عمدتاً ادامه همان عملکرد مدارس عصر قاجار بودند که باید شکل‌گیری آنها را از نتایج مشروطیت دانست. تعداد مدارس دخترانه‌ای که در عصر پهلوی اول ایجاد شدند، در مقایسه با عصر قاجاریه، به‌رغم فضای سیاسی متفاوت، رشد چندانی نداشته‌اند؛ ضمن آنکه فزونی تعداد مدارس ملی نسبت به مدارس دولتی در دوره رضاشاه همچنان حفظ شد؛ بدین معنای برتری با مدارس ملی بود. در شیراز و فارس در دوره رضاشاه بر تعداد دانش‌آموزان دختر و مقاطع تحصیلی اضافه شد. این مقاطع تحصیلی منحصر به مقطع ابتدایی نبودند بلکه به‌تدریج مقطع متوسطه نیز به آن اضافه گردید. از ۱۳۱۴.ش به بعد، بر تعداد مدارس دخترانه شیراز افزوده شد. در مجموع با توجه به فضای متفاوت سیاسی و اجتماعی دوره‌های قاجار و پهلوی اول، در دوره قاجار تحت‌تاثیر جریان مشروطیت، اساس و پایه تاسیس مدارس دخترانه در فارس ریخته شد و در دوره رضاشاه صرفاً همان روندی که در دوره قبل پایه‌گذاری شده بود، تداوم یافت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۱۶۶۲/ایرانی-مدرن-مدارس-نخستین/۳۱۶۶۲>